



جاسوس!

بازرسی آژانس از سایت های هسته ای ایران نیروهای حفاظتی از برخی بازرسان تجهیزات غیر مرتبط با کارشان مانند فلش (یو اس بی مموری) ضبط کرده اند. البته انتظاری طرفی از آژانس مثل انتظار شیرینی داشتن از نمک است؛ اصولا بنای تشکیل اغلب نهادهای بین المللی امروزه پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفتند، کمک در برقراری نظم نوین جهانی مدنظر آمریکا و پیماژ اقتصاد لیبرال به کشورهای جهان است. آژانسی که امروز پسوند بین المللی را با خود یدک می کشد در واقع همان پیاده نظام و جاسوس آمریکا برای کنترل برنامه هسته ای کشورهای است که پیشرفت هسته ای دارند به تجربه سیاست خارجی این سال ها نشان می دهد اعتماد به آژانس و خوش بینی به غرب هیچ اثری جز هزینه های بیش تر و عایدی کم تر برای جمهوری اسلامی ایران نداشته است. این همان چیزی است که دولت سیزدهم به خوبی مدنظر قرار داده است و در برابریان ایستادگی می کند.

سال ها است نقش پیاده نظام آمریکایی ها برای ایجاد فشار علیه ایران را به خوبی ایفا کرده است. در همین سال هایی که ایران به طور کامل بازرسی های بی حدومرز آژانس را پذیرفته بود، این نهاد به اصطلاح بین المللی وی طرف، ۹۲ درصد از بازرسی هایش را فقط از تاسیسات هسته ای ایران انجام داده است!

اصولا بنای تشکیل اغلب نهادهای بین المللی امروزه پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفتند، کمک در برقراری نظم نوین جهانی مدنظر آمریکا و پیماژ اقتصاد لیبرال به کشورهای جهان است. آژانسی که امروز پسوند بین المللی را با خود یدک می کشد در واقع همان پیاده نظام و جاسوس آمریکا برای کنترل برنامه هسته ای کشورهای است که پیشرفت هسته ای دارند به تجربه سیاست خارجی این سال ها نشان می دهد اعتماد به آژانس و خوش بینی به غرب هیچ اثری جز هزینه های بیش تر و عایدی کم تر برای جمهوری اسلامی ایران نداشته است. این همان چیزی است که دولت سیزدهم به خوبی مدنظر قرار داده است و در برابریان ایستادگی می کند.

اطلاعات درز کرده از همین نهاد بی طرف منجر به شهادت شهید فخری زاده شد و بارها در سایت های هسته ای ایران خرابکاری صورت گرفت. حال در سالگرد شهادت شهید فخری زاده گروسی به ایران می آید، در دوربین زل می زند و می گوید «ما ظرفیتی برای کنترل درز اطلاعات نداریم اما شما باید اجازه بازرسی مجدد را به ما بدهید!» مدتی قبل نیز در جریان

امتیازگیری هسته ای، مجلس قانون «راهبردی لغو تحریم ها» را تصویب کرد که منجر به توقف اجرای تعهدات برجامی ایران و لغو نظارت های فریادمانی آژانس بین المللی انرژی اتمی شد. حال گروسی برای چانه زنی به ایران آمده است تا بتواند مستولان ایرانی را متقاعد کند که مجددا دسترسی نظارتی

به بازرسان آژانس داده شود. ماجرا آنجا جالب تر می شود که گروسی در مصاحبه خود با پرس تی وی صراحتا اعلام کرد که «آژانس هیچ ظرفیتی برای کنترل درز اطلاعات ندارد» آژانس بین المللی انرژی اتمی که همواره ژست یک نهاد بی طرف را گرفته و ادعا کرده است که در مناقشات میان کشورها موضعی ندارد، نه فقط امروز که

روز دوشنبه رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی، به تهران سفر کرد تا با وزیر امور خارجه و همچنین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران دیدار کند. «رایزنی ها با مقامات ایران بی نتیجه بود؛ ما نتوانستیم به نتیجه برسیم. من برای یافتن راه حل متوقف نمی شوم و ادامه می دهم.» این بخشی از اظهارات او بعد از پایان سفرش به تهران است. ایران پس از خروج آمریکا از برجام بنای خود را بر ادامه همکاری با اروپا گذاشت و مدت ها برای ایجاد کانال های مالی اتحادیه اروپا انتظار کشید اما نتیجه این انتظار فقط یک بدعهدی دیگر از طرف مقابل بود. این در حالی است که طی این سال ها مکررا آژانس انرژی اتمی از طریق بازرسی هایی که مطابق پروتکل الحاقی از تاسیسات هسته ای ایران داشته به صورت رسمی پایبندی ایران به توافق برجام و عدم انحراف ایران به سمت ساخت سلاح هسته ای را تایید کرده بود. برای جلوگیری از این زیاده خواهی های بین المللی و همچنین ایجاد تغییر در روند

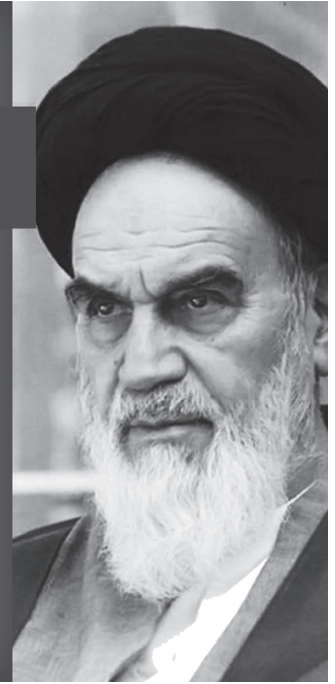


۹۹ امام خمینی

نماز جمعه یک عبادت سرتا پا سیاسی

نماز جمعه یک اجتماع سیاسی است. نماز جمعه یک عبادت سرتا پا سیاسی است، ومع الاسف در جاهایی انسان می بیند که در نماز جمعه ابداً مربوط به چیزهایی که ملت ها به آن احتیاج دارند، چیزهایی که مسلمین، اجتماع مسلمین بر آن احتیاج دارند، خبری نیست. نماز جمعه ها را همان طوری که در صدر اسلام، مساجد، محافل و نمازها جنبه سیاسی داشته است، از مسجد راه می انداختند لشکر را به جنگی که باید بکنند و به آنجایی که باید بفرستند. از مسجد مسائل سیاسی طرح ریزی می شد- از مسجد- مسجد محل این بود که مسائل سیاسی در آن طرح بشود.

صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۴۲۴



محمد حسین مکرمی

از واکسیناسیون اجباری تا واکسن ستیزی

واکسیناسیون اجباری و در مقابل آن واکسن ستیزی چالشی است که دنیای امروز با آن بیش تر مواجه شده. حال این سوالات مطرح می شود که اصلاً واکسیناسیون اجباری به چه معناست؟ چه انواعی می تواند داشته باشد؟ آیا دولت حق انجام چنین کاری را دارد؟ و در نهایت موافقین و مخالفین چه دلایلی را ذکر می کنند؟ واکسیناسیون اجباری به معنای عرفی آن به انواع مختلفی می تواند اعمال شود. گاهی دولت با وضع قوانین کیفی کسانی که از واکسینه شدن اجتناب می کنند را مجازات می کند. نمونه بارز آن در کشور ما تصویب قانون جلوگیری از بیماری های آمیزشی و بیماری های واگیردار در سال ۱۳۲۰ بود که طبق آن کسانی که از آبله کوپی امتناع می کنند به حبس و جزای نقدی محکوم می شوند. اما حاکمیت در نوع خفیف تر واکسیناسیون اجباری، دیگر به وضع قوانین کیفی اقدام نمی کند بلکه در ارائه خدمات عمومی به کسانی که از این کار اجتناب می کنند محدودیت ایجاد می کند. مخالفان واکسیناسیون اجباری بعضاً تئوری های توطئه را مطرح کرده و به دولت ها و یا شرکت های تولیدکننده واکسن بی اعتمادند. آن ها دست کم نسبت به عوارض بلند مدت واکسن در تردید هستند. از نظر آن ها قانون گذار برای دولت یا شرکت های تولیدی واکسن هیچ گونه مسئولیت مدنی ای در جهت جبران آسیب احتمالی

که افراد نمی توانند از حق خود بر تمامیت شخصیت جسمی سوء استفاده کنند چون در اینجا بحث جلوگیری از همه گیری ویروس و مصلحت عام مطرح است. اگر مسئولین این قصد را داشته باشند که برای امتناع کنندگان از واکسن مجازات تعیین شود، قانون گذاری مجلس لازم است؛ هر چند صرف اعمال محدودیت در ارائه خدمات عمومی نیاز به فرایند قانون گذاری مجلس ندارد. اما نکته آنکه این اقدامات اجبارگونه برای جلوگیری از همه گیری کرونا و تامین سلامت عمومی که طبق اصل بیست و نهم قانون اساسی از وظایف دولت است به تنهایی کافی نیست. یعنی اعمال محدودیت می بایست توأمان با اقدامات اقتناعی در جهت تامین سلامت عمومی به کار گرفته شود. قانون گذار باید با در نظر گرفتن مسئولیت مدنی برای دولت و شرکت های واکسن، در قبال عوارض احتمالی واکسیناسیون قهیداتی اندیشیده و با اقتناع افکار عمومی (از جمله ایجاد شفافیت و پاسخ به شبهات) افراد بیشتری را ترغیب کند.

ناشی از واکسن زدن در نظر نگرفته و همین خلأ می تواند یکی از عوامل خودداری آن ها برای واکسن زدن باشد. از منظر حقوقی نیز حق بر تمامیت جسمی یکی از انواع حقوق مربوط به شخصیت هراسان است و لذا هرگونه تعرض جسمی و حتی مداوای طبی بدون رضایت شخص ممنوع است. با این حال گاهی این امر بنا به مصلحت اجتماعی به موجب قانون بر افراد تحمیل می شود. توضیح آنکه طبق اصل چهلم قانون اساسی که بر مبنای قاعده فقهی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» است. هیچ کس نمی تواند با استفاده از حق خویش به دیگران زیان برساند. یعنی سوء استفاده از حق ممنوع تقریباً می توان گفت اصلاً هیچ حق بی قید و بند و بدون محدودیت وجود ندارد (به جز حق خداوند بر مخلوقات که از این قاعده مستثناست). از منظر شرعی نیز بسیاری از جمله شیخ طوسی و امام خمینی (ر) بیان دارند که هرگاه بین مصالح جامعه با مصالح فرد تعارض یا تراخی پیش آید (طبق قاعده اهم بر مهم) مصالح عموم جامعه مقدم است. لذاست





هرسال دریغ از پارسال

کلاه کپ؛ شلوار جین کوتاه؛ پیراهنی بازنگ و نقش برجسته و بعضا عجیب، به اضافه یک کتونی اسپورت! برایتان آشناست نه؟ امروز تقریبا از هر خیابان یا کوچه‌ای گذر می‌کنیم، با چنین پوششی مواجه می‌شویم. دیگر عادی شده است؛ فرقی میان دختر و پسر هم ندارد. مثل ویروس کرونا شیوع پیدا کرده و ماندگار است! مدهای عجیب و غریبی که هر سال پوست می‌اندازند و چالش برانگیزتر از قبل می‌شوند. مد مجموعه تغییراتی است که در پوشش و رسوم یک جامعه به وجود می‌آید. لذا اساسا مدگرایی رفتی توانیم پدیده‌ای جدید و برای دوره معاصر بدانیم. هر زمان که جامعه‌ای بوده، مد و الگوهای مختلفی هم وجود داشته است. اما داستان مدگرایی در ایران کمی متفاوت است؛ کاملاً جنبه مصرفی و تقلیدی پیدا کرده است. با یک نگاه گذرا به خیابان یا مغازه‌ها و یا پاساژها می‌توانید به این موضوع پی ببرید. مدگرایی به معنای جدید آن، نوعی از خودبیگانگی و تقلید از فرهنگ غربی را القا می‌کند، تا آن جاکه حتی وقتی به زندگی جوانان نگاه می‌کنیم، شاهدیم کلمات یا جملاتی بر روی لباس یا آینه و کمد شخصی یا در ورودی مغازه‌شان نوشته شده که کم‌تر ارتباطی با زندگی شخصی یا آرمان‌ها و علایق فردی آن‌ها دارد. عباراتی مثل: «ماپسران شیطانیم»، «گروه لجن!»، «سفید، اما آشغال»، «گروه سیاهان بوگندو!»، «زیبایی کثیف»، «عشق نشئه»، «گناه تا مرگ»، «خوک» و... که جوانان خود حتی معنای این کلمات را نیز درستی نمی‌دانند و شاید اگر بدانند، موجب شگفتی، خنده یا ناراحتی‌شان بشود. اما اشتباه برداشت نکنید؛ اشکال در غرب پرستی جوانان نیست. مشکل کار در خلائی است که جوان دارد آن را با الگوهای پذیرفته شده در جامعه پرمیک‌ند. به جوان باید حق داد؛ شناختی از پوشش متناسب با فرهنگ ندارد. اصلا این جمله برایش قلمبه سلمبه است. به بازار هم که می‌رود، آن قدر طیف این لباس‌های عجیب و غریب زیاد است که اصلا انتخاب دیگری برایش وجود ندارد. آن لباس‌هایی هم که به اصطلاح مناسب است، آن قدر گران است و نایاب اند، که همان اول تصمیم به کنار گذاشتنش می‌گیرد. اشکال در مسئولان خسته‌ای است که چندین سال است فقط صحبت از برنامه‌ریزی فرهنگی می‌کنند اما به عینه خواب‌اند! چندین و چند سازمان و وزارت متولی امر پوشش و حجاب معرفی شده‌اند و هر کدام ساز خود را می‌زنند. هر از چند گاهی هم مدیر عوض می‌کنند و شعاری جدید سر می‌دهند. دم از تغییر می‌زنند؛ اما هر سال دریغ از پارسال!

آن‌ها نیز دست نمی‌یابند و اگر بهتر بگوییم «فی‌توانند» دست یابند؛ چرا که تلاشی - هرچند ناچیز - برای ارتباط با فرزندان و محیط آن‌ها صورت نمی‌گیرد و اگر هم بگیرد نهایتاً به تسمخر و استهزا جهان آنان منجر می‌شود. اما ماجرا از آنجایی خطرناک‌تر می‌شود که در ایام دهه‌های هشتاد با گسترش و رشد تکنولوژی، اینترنت، شبکه‌های مجازی و پیام‌رسان‌ها، از سوی نسل جدید با انبوهی از اطلاعات روبه‌رو شده و

با ادامه‌ی روند موجود، گسست رابطه عاطفی، فکری و خانوادگی میان نسل والدین و نسل فرزندان ادامه می‌یابد و در نتیجه امر خطیر تربیت نسل جوان آینده‌ساز را مختل می‌کند.

جهانی مجازی برای خودش ساخته و از سوی دیگر والدین چنین نسلی با جهد و کوشش فراوان در آخرین قدم تنها به آشنایی نسبتاً سطحی و استفاده قبلی از این امکانات نوظهور دسترسی پیدا کرده‌اند. بی‌گمان آشنایی هرچه بیشتر والدین از فضای مجازی و آگاهی آن‌ها از ریزترین مسائل و اطلاعات فضای مبهم نسل جدید ناصواب و بی‌مورد نیست. با ادامه‌ی روند موجود، گسست رابطه عاطفی، فکری و خانوادگی میان نسل والدین و نسل فرزندان ادامه می‌یابد و در نتیجه امر خطیر تربیت نسل جوان آینده‌ساز را مختل می‌کند. در پایان ناگفته نماند در این مسیر فهم همدلانه و دقیق نوجوانان - تا آنجا که آن‌ها والدین‌شان را هم سال خود فرض کنند نه یک بزرگسال - و پرهیز از جبهه‌گیری، ارزش‌گذاری، و تسمخر بی‌مورد فضای فکری فرزندان، کلیدی و راه‌گشا است.



گسلِ نسل‌ها

اگر متولد دهه شصت به قبل باشید، احتمالاً نمی‌توانید «رل»، «بنیید»، «دایرکت» بدهید یا حتی «حق» بگویید! متأسفانه نه «پایین می‌آید» تا «سرکسی درد نگیرد» و نه محل صحیح به‌کارگیری «نخواندم»، «ندیدم» و «نشیدم» را می‌فهمید. حتی اگر از بار ارزشی دقیق «تلیتی» بگذریم، در خوشبینانه‌ترین حالت «تتلو» برایتان صرفاً معنایی سیاسی دارد - البته با این فرض خوشبینانه‌تر و آرامش بخش ترکه اصلا تصویری از «تتلو» و «تلیتی» داشته باشید! اگر حتی کمی گیج و اندکی نیز مبہوت شده باشید، ورود سرزده‌تان را به دنیای مجازی زده و نسبتاً پیچیده «دهه هشتادی» ها و بعضاً «دهه نودی» ها خوش آمد می‌گویم. در بدو ورود صرفاً چند کلمه‌ی دست‌چین از ادبیات حاکم بر جهان کج و معوج نسل جدید را به زبان رایج و رسمی کشورتان خواندید و بعید نیست که معنای لفظی برخی از آن‌ها را دست و پا شکسته فهمیده باشید. اما شوربختانه حیران شده‌اید و حیرت شما حاکی از این نکته‌ی گران‌سنگ است که تفاوت میان معنی لفظی ذهن شما با معنایی که فرزندان‌تان درک و هضم می‌کنند، از زمین تا آسمان است و مع‌الاسف این همان مشکل جان و خاندان سوزی است که اصطلاحاً آن را «گسست نسلی» می‌نامیم. یعنی نه تنها نسل پدر و مادرها از فهم تفکر، خواسته‌ها و تمنیات نسل جدید عاجزند، بلکه به فهم ادبیات

تقوای نقد

اخیرا کلیپی از استاد حسن عباسی در فضای مجازی منتشر شده است که در آن وضعیت اقتصادی کشور را نتیجه ۲۰ سال مسئولیت اساتید دانشگاه امام صادق در مناصب اقتصادی می داند. متأسفانه در این کلیپ اطلاعات نادرستی ارائه شده است. اولاً شخص آقای مصباحی مقدم که در کلیپ مذکور بعنوان رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق نام برده می شوند نه دانشجوی این دانشگاه بوده اند و نه رئیس دانشکده اقتصاد. ثانیاً ادعای ایشان مبنی بر اینکه اقتصاد کشور تماماً در اختیار اساتید این دانشگاه است نیز ادعایی کاملاً کذب است. مسئولین اقتصادی ای که در دانشگاه امام صادق علیه السلام تحصیل کرده اند درصد ناچیزی از مسئولین اقتصادی کشور را تشکیل می دهند. ثالثاً جدای از همه این مسائل نقد یک رویه اجرایی یا علمی نیازمند بررسی جوانب امر و تحقیق علمی در این رابطه است. با اظهار نظرهای عوام پسند و بدون استدلال نمی توان نوع عملکرد علمی شخص یا نهادی را نقد کرد. از کارشناسانی مانند ایشان بعید است که در ورطه جلب نظر مخاطب با زدن سخنان شاذ و غیر واقعی بیفتند.

عزم هایی که بوی امید می دهد

طبق اعلام سازمان اداری و استخدامی، در راستای اجرای تکلیف قانون بودجه و شفاف سازی پرداخت حقوق کارکنان، از آبان ماه برای هر دستگاری که نسبت به ورود اطلاعات مربوطه در سامانه حقوق و مزایا و کارمند ایران اقدام نکرده باشد، واریز حقوق انجام نخواهد شد. این خبر خوب می تواند آغازی باشد بر مسیر شفاف سازی درآمدهای مالی دستگاه های دولتی و جلوگیری از مفاسد اداری. باید یک خدقوت به آقای دکتر لطیفی بابت این کار جهادی بگوییم. امید است در ادامه نیز همین مسیر با قوت و جدیت ادامه یابد.

کم توجهی خانمان سوز برای دولت

متأسفانه به اذعان اکثر کارشناسان گزینه های پیشنهادی رئیس جمهور برای تصدی وزارت آموزش و پرورش از سطح مناسبی برخوردار نیستند. اغلب سوابق کم ارتباط با حوزه آموزش و پرورش دارند یا تحصیلات دانشگاهی شان نامرتبط با این مسئولیت است. اینکه دولت نتواند یک گزینه مناسب و در خور برای تصدی این وزارت خانه بسیار مهم، بیابد قطعاً منجر به کاهش اعتماد مردم می شود. آن هم در شرایطی که بحث حضوری شدن مدارس داغ است و نیاز به تدبیر و تصمیم گیری یک مدیر توانمند احساس می شود؛ ادامه این رویه موجب خواهد شد که هر چقدر در حوزه سیاست خارجی، مبارزه با مفاسد و... دولت خوب عمل کند با این قبیل کم توجهی های جزئی ارزش این کارها در نظر مردم کوچک شود.

نه! مسئولیت اضافه نمی پذیریم

دل مان را خوش کرده بودیم تا با خداحافظی مسئولین غرب زده و سرکار آمدن افرادی که خود را فرزندان انقلاب می نامیدند و عکس هم نشینی های شان با شهدا را به درود بیواتاق های شان قاب کرده بودند، شاهد تاتی از آن مردان پاکباز و مخلص خدایی باشیم که نه دنبال پست و مقام بودند و نه پول و ثروت. منتظر بودیم تا این بار وراثان اصلی انقلاب، مهمان سفره ی انقلاب باشند. مردمی که پای این انقلاب جان های شان را کف دست های شان گرفتند، مشتهای شان را به سمت دشمنان این سرزمین گره کردند و تنها سهمشان از انقلاب، چهل سال مقاومت و ایستادگی بود. چهل سال چشم انتظاری برای تحقق عدالت. چهل سال امید... اما ظاهراً برای سهم خواهی و قدرت طلبی برانقلاب سایه افکنده؛ گاه از جناح



فتح؛ نشریه گفتمان انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق

شناسنامه فتح ۲۱۳

مدیرمسئول: علی راستی
سر دبیر: علی حکیمی
دبیر هیئت تحریریه: محمد بوالحق
جانشین مدیرمسئول: پوریا عصار
جانشین سر دبیر: محمد مهدی محمدزاده
مسئول فضای مجازی: احمد رضا حبیبی

دبیر کارگروه ها

دبیر فرهنگی: مهدی مولی داد
دبیر تاریخی: ابوالفضل کشتکار
دبیر سیاسی: محمد جواد مولوی
دبیر حقوقی: محمد رضائی جوزانی

درگاه های ارتباطی فتح

FathISU_IR



FathISU_IR

صفحه اینستاگرام

BasijISU.ir

نسخه دیجیتال فتح را

با اسکن این کد دریافت